

تعلیمات محرمانه عیسی

چهار انجیل عرفانی

نویسنده: ماروین دبلیو میچر

مترجم: فرشته چندی

با مقدمه: پیرا (شیاب حساسی)

تطبیق: مریم مذاح - آزاده مصاحبی

با همکاری سائز پوریاک و مهناز طوسی

صفحه آرا: جاوید جلیل زاده رحمتی

حروفچین: سوسن سعیدلو

ناظر چاپ: نوید انبری

تهران: ۵۰۰۰

نوبت: ۲۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۸۵

شابک: ۹۶۴-۸۷۵۰-۲۸-۹

مجری طرح: مؤسسه فرهنگی اوامریش

نشر غزل

تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۶۶۳۱۱

تلفن دفتر فروش: ۰۲۱-۲۲۸۲۸۷۷۷

پیر ماروین Meyer Marvin

تعلیمات محرمانه عیسی / چهار انجیل عرفانی / نویسنده ماروین دبلیو میچر

مترجم فرشته چندی - اسفهان غزل ۲۳۲۱۳۸۵ ص

ISBN 964-8750-28-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فوربا

هنوان اصلی The Secret Teaching of Jesus Four Gnostic Gospels

۱. عیسی مسیح - تفسیر کنوستی. ۲. عیسی مسیح - تمایم. ۳. نسخه‌های

خطی نگ حمیدی. ۴. کنوستی سیستم الفبائی فرشته. مترجم: بهلولان، چهلون، چهار

انجیل عرفانی، بهلولان، چهار انجیل عرفانی: م. هلولان، بهلولان، آموزش‌های ینهای عیسی

مسیح.

۲۳۲/۱

BT/۱۳۹۱۶۵۰۲

۱۳۸۵

۸۵-۳۶۱۷

کتابخانه ملی ایران

هشدار: هوش دار

کتاب تعالیم محرمانه عیسی (ع) بیش از آنکه کتاب عجیبی باشد، متنی نسبتاً سخت و پیچیده است. جز این، انجیل‌های دیگری هم وجود دارد که همه آنها منسوب به عیسی مسیح (ع) است. اما از کجا باید بدانیم که این تعلیمات یا آنچه در کتب مشابه دیگر و حتی چهار انجیل معروف و رسمی عیسی مسیح آمده است، آیا واقعاً منسوب به حضرت عیسی است یا آنکه ساخته فکر جاعلان و جاهلان و معاندان آن حضرت است. سنگ محک ارزیابی ارزشیابی تعالیم حقیقی عیسی (ع) کدام است؟ از طریق چه نشانه‌هایی می‌توان دریافت که آموزه‌های ظاهراً الهی (خاصه آنچه مربوط به عیسی مسیح است) واقعاً الهیست. مطمئناً آنچه با پیام یگانگی خداوند (لا اله الا الله) که هسته اصلی همه ادیان است، در تناقض باشد، نمی‌تواند تعلیمی الهی و از جانب خداوند باشد. این، اولین سنگ محک است. مسیح هیچ وقت نفرمود که (نفوذ با...) من از خداوند (ی که ولم یلد ولم یولد است) زاده شده‌ام. بنابراین هر گفتاری که اشاره‌ای است به این مفهوم، نمی‌تواند گفتاری آسمانی و الهی باشد. هر حرف به ظاهر مقدسی که درباره خدایان متعدد باشد، یقیناً کلامی الهی نیست زیرا در تناقض با هسته بنیادی تعلیم خداست.

با استناد به این اصل، شما می‌توانید بخش زیادی از محتوای کتاب تعلیمات

محرمانه عیسی (ع) و هر کتاب مشابه دیگری را محک بزنید.

سنگ محک‌های دیگر، برای تشخیص منشاء آسمانی و الهی آموزه‌ها، عبارت است از عشق به خدا و به مخلوق خدا، عدالت و رعایت حقوق دیگران، اصل بخشنندگی و محبت بی‌پایان خداوند (بسم الله الرحمن الرحيم) که بطور خلاصه می‌توان همه اینها را در قالب «اخلاق متعالی» بیان کرد. هر کلامی که ناقض این اصول است، ساخته و تحریف شده دست بشر است. و اما برای مسلمانان؛ بزرگترین میزانی که برای تشخیص حق از باطل وجود دارد (چه برای مسلمین و چه غیرمسلمین)، قرآن است و آنچه با آن در تناقض است قطعاً و مسلماً از جانب خدا و خدایی نیست.

سعی کردم خیلی خلاصه منظورم را بگویم ان شاء الله که گفته باشم. نکته مهمی که می‌خواهم در پایان این خلاصه مطرح کنم خطر تحریف است. تحریف کلام خدا یکی از بزرگترین گناهانی است که ممکن است بشر مرتکب شود تا حدی که عیسی مسیح (ع) آن را بزرگترین گناه بشر می‌داند آنجا که می‌فرماید: «هر گناهی ممکن است بخشیده شود مگر انکار و تحریف روح خدا (کلام خدا)». بنابراین سعی کنیم در افکار و اعمال خود و مخصوصاً در آنچه به دیگران منتقل می‌کنیم به تحریف روح خدا و کلام خدا و دین خدا آلوده نشویم.

پریا (شباب حسامی)

ملاده:

در دسامبر ۱۹۴۵، دو کشاورز مصری، سوار بر شترهایشان، در پای صخره‌های باشکوهی که اطراف رود نیل را احاطه کرده و به آن زینت بخشیده بود، در جستجوی کود طبیعی بودند. طبق گفته یکی از این کشاورزان، به نام محمدعلی السمان^(۱) محمد خلیفه؛ آنها، شترهایشان را بستند و در نزدیک تخته سنگ فوق‌العاده بزرگی در پای صخره جبل‌الطریف^(۲) شروع به کندن زمین کردند. ناگهان به جسم سختی برخورد کردند و پس از کندن بیشتر زمین خمره مهر و موم شده‌ای را که از صدها سال پیش در زیر شنزارهای مصر مدفون شده بود از زمین بیرون آوردند. ابتدا محمدعلی از ترس این که مبادا جن و یا روحی در درون آن محبوس شده باشد در آن را باز نکرد. ولی بعد با خود اندیشید ممکن است این خمره نیز مانند سایر ظروفی که در چند کیلومتری بالای رودخانه در دره کینگز (سلاطین) کشف شده بود مملو از طلا و گنجینه‌هایی باشد. عاقبت علاقه شدید او به طلا، بر ترسش از جن و روح فائق آمد و در خمره را شکست. طبق گفته او، در درون آن خمره واقعاً طلا بود، ولی به سرعت ذرات آن در هوا ناپدید گشتند و تنها مجموعه‌ای از کتب و

نُسخ خطی که بر پاپیروس نوشته شده بودند برایش باقی ماند. او آنها را بر پشت شترش انداخته و با خود به خانه برد.

آن طلایی که محمدعلی مشاهده کرده بود احتمالاً ذرات ریز و طلایی پاپیروس بودند که به دلیل درخشندگی‌شان در زیر نور آفتاب به آسانی می‌توانستند در نظر کسی که امید یافتن گنجی را دارد، با طلا اشتباه گرفته شوند. اگر چه ممکن است محمدعلی در آن روز بسیار مأیوس شده باشد، ولی او گنجی واقعی و به مراتب با ارزش‌تر از یک خمرهٔ انباشته از طلا یافته بود: مجموعه‌ای از نُسخ خطی قدیمی که اکنون مجموعه‌ی «نگ حمدی»^(۱) خوانده می‌شود. این نُسخ کشف شده شامل سیزده کتاب و حدوداً دارای پنجاه و دو متن است که اغلب آنها تا آن زمان در جایی دیده نشده و کاملاً ناشناخته بوده‌اند. بیشتر این متون برگرفته از یک جنبش سری مذهبی و باطنی است که ما آن را عرفان گنوستیسیسم^(۲) می‌خوانیم که از کلمهٔ یونانی گنوسیس^(۳) به معنای دانش گرفته شده است. همچنین اغلب این متون به استثنای تعداد کمی از آنها اسنادی در مورد مسیحیت هستند که اطلاعات جدید و باارزشی را در مورد کلیساهای قدیمی و عارفان مسیحی، در اولین سده‌های شکل‌گیری کلیسا در اختیار ما قرار می‌دهند.

این عارفان در اعماق تعالیم سری الهی، در جستجوی دانش و بصیرتی بودند که به مراتب ژرفتر و فراتر از درک و فهم متعارف و عامیانه بود. آنان مانند سایر عرفا معتقد بودند که چنین دانشی از طریق حفظ کردن عبارات یا مطالعه کتب میسر نمی‌گردد. با این وجود، برای روشن ساختن ماهیت عرفان، اسناد و اطلاعات بی‌شماری را گردآوری نمودند. این متون عرفانی، خدایی بسیار مهربان، کامل و برتری را مورد ستایش قرار می‌دهد که عظمت نور دانش و آگاهی‌اش غیرقابل درک و توصیف‌ناپذیر است. با این حال انسان می‌تواند این ذات الهی برتر را در زندگی درونی‌اش تجربه کند. زیرا روح درونی ما (آن نفس رحمانی) جرقه و پرتویی از آن نور الهی است. فاجعه زندگی بشری در این است که اغلب انسان‌ها به دلیل خشونت دنیای بیرونی که صحنه نمایش غم‌انگیز زندگی بشری است، نمی‌توانند رضایت و خشنودی درونی را که حاصل زندگی الهی است درک کرده و به آن تحقق بخشند. عرفای مسیحی پی بردند که دنیای فانی با تمام آن نیروهای شیطانی و منحرف‌کننده‌اش، برای کسانی که در جستجوی خرد و حقیقت‌اند چون دامی مرگبار است. به طوری که روح انسان که منشاء الهی دارد، اسیر هوی و هوس و تمایلات نفسانی و جسمانی می‌گردد. متون عرفانی از استعارات و تشبیهات گوناگونی برای به تصویر کشیدن سرنوشت غم‌انگیز این روح در اسارت، استفاده می‌کند و آن را خفته، مست، بیمار، نادان و تاریک (فاقد نور)

جان، از این چهار کتاب دو جلد آن (انجیل توماس و کتاب محرمانه جان) متونی قدیمی دربارهٔ معنویت عرفانی است که از طریق نسخ خطی و یا بخش‌هایی از این نسخ شناخته شده است. این چهار اثر در عنوان و یا آغاز متن، بعنوان تعالیم سَری و محرمانه توصیف شده‌اند. و پیروان قابل اعتماد مسیح (برادرش جیمز؛ یهودا توماس، که در برخی از منابع و مراجع به عنوان برادر دوقلوی عیسی در نظر گرفته شده و یا شاگرد معنوی‌اش، یوحنا) به عنوان ضامنی برای حفظ این اصول و تعالیم قدیمی محرمانه انجام وظیفه می‌کنند. اگر چه تعیین تاریخ دقیق استاد باستانی و قدمت آنها بسیار مشکل است، ولی به نظر می‌رسد که این چهار متن در حدود قرن دوم پس از میلاد نوشته شده باشند. کتاب محرمانه جیمز و انجیل توماس احتمالاً قدیمی‌تر از کتاب توماس و کتاب محرمانه جان هستند. هر چهار کتاب دارای مطالبی قدیمی است و بعضی از گفتار ثبت شدهٔ ناجی ممکن است مربوط به زمان عیسی باشد.

کتاب محرمانه جیمز، انجیل توماس و کتاب توماس شامل مطالبی هستند که به عنوان بخشی از مراحل کار بازنویسی گفتار مسیح توسط کلیسای قدیم، جمع‌آوری و ویرایش شده است. ما هم‌اکنون می‌توانیم چنین روندی را در انجیل عهد جدید نیز مشاهده کنیم. متی و لوقا به احتمال قوی انجیل‌های خود را در حدود پانزده تا بیست سال پس از مرقس به نگارش

درآورده و نه تنها از انجیل مرقس بلکه از مجموعه‌ای از گفتار مسیح نیز به عنوان منبع و مرجع استفاده کرده‌اند. این مجموعه که معمولاً هنگام اشاره به آن فقط از حرف Q استفاده می‌شده است، (Q برگرفته از حرف اول کلمه ألمانی Quelle به معنای منبع و منشأ است) مستقلاً به صورت یک متن وجود ندارد، اما احتمال دارد از طریق مطالعه و بررسی دقیق انجیل‌های متی و لوقا بازنویسی شده باشد. در این صورت روشن می‌گردد که Q یک انجیل روایتی نظیر انجیل مرقس نیست، بلکه یک سری از گفته‌های مسیح است که یا روایتی نیستند و یا با مختصری از آن در پی یکدیگر آمده‌اند.

Q، مسیح را گوینده گفتار حکیمانه معرفی می‌کند و انجیل توماس نیز که از نظر شکل و سبک، مشابه Q است، می‌تواند مجموعه‌ای واقعی از گفتار مسیح باشد که در آن هر گفتار بلافاصله پس از گفتار دیگر آمده است. در اغلب موارد تنها مقدمه‌ای که برای هر گفتار آمده است، عبارت معمول "مسیح گفت" است. با وجودی که انجیل توماس به Q بسیار شباهت دارد، توسط مسیحیانی با گرایش عرفان مسیحی، ویرایش و اصلاح گردیده است.

این انجیل مجموعه‌ای از سخنان محرمانه‌ای است که درباره خرد و حکمت محرمانه صحبت می‌کند و گفته شده است که تفسیر صحیح این گفتار، راز زندگی و مرگ را می‌گشاید (به گفتار ۱ مراجعه شود). بدین ترتیب انجیل توماس هم شامل گفتارهای بسیاری است که تعلیمات مربوط به

عیسی مسیح در انجیل جدید را به خاطر می‌آورد، و هم گفتارهای دیگری نیز در آن وجود دارد که دربارهٔ موضوعات عرفانی و عمیق‌تری است. (مراجعه شود به گفتار ۲۲، ۵۰، ۷۵، ۱۱۳).

هم‌اکنون در انجیل توماس (برای مثال گفتار ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۶۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷) به بعضی از گفتارها مطالبی در قالب روایتی کوتاه افزوده شده است و گفتگوهای کوتاه مسیح و شاگردانش نیز به نحو متناسبی در کنار یکدیگر آمده است. گرایش به این نوع نگارش، در کتاب محرمات جیمز و کتاب توماس، آشکارتر است. در این متون، گفتار مسیح به صورت سخنرانی‌های طولانی و مفصل‌تری آمده است. (که یادآور سخنان نقل شده در انجیل یوحناست) که با جملات و پرسش‌های جیمز، پطرس یا یهوذا توماس قطع شده است. کتاب محرمات جیمز بر جایگاه و مقام برتر جیمز عادل، برادر مسیح و قهرمان "یهودی- مسیحیان" اولیه تأکید دارد. این جایگاه هم‌ارز نقش مقتدرانه پطرس در انجیل جدید است. (رجوع شود به گفتار ۵: ۱؛ ۱۲: ۱-۲؛ ۱۳: ۱) انجیل توماس ادعا می‌کند که از زهد یهودی مسیحی (گفتار ۶، ۱۴، ۲۷، ۵۳، ۱۰۲) و از جیمز، قهرمان یهودی - مسیحی، فراتر رفته است. یهوذا توماس، مست از خرد معنوی، بر پطرس و به طور ضمنی بر جیمز برتری یافته است. (گفتار ۱۳) و این همان یهوذا توماسی است که در کتاب توماس دارای جایگاه برتری است. کتاب توماس متن زاهدانه‌ای دارد که از سخنان مسیح و

همچنین از موضوعاتی که برگرفته از میراث افلاطونی یونان است بهره می‌گیرد.

در این سه متن، گفتار مسیح به تناسب جوامع و موقعیت‌های تاریخی زمان، ارائه، تعبیر و تفسیر و همچنین اصلاح گردیده است. البته این تفاسیر و اصلاحات انجام شده، دیدگاه نویسندگان این متون مسیحی را که متعلق به قرن دوم پس از میلاد هستند، مشخص و روشن می‌سازد زیرا آنان تعلیم قدیمی مسیح را برای همان زمان به روز کرده‌اند و در عین حال، بعضی از گفتار مسیح در این سه متن، باید بسیار قدیمی‌تر از متون قرن دوم باشد و تعداد معدودی از آنها نیز ممکن است گفتار واقعی عیسی ناصری را منعکس سازد. هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که تصور کنیم گفتار حقیقی عیسی فقط در انجیل جدید یافت می‌شود. ممکن است سخنان او را در متونی نظیر کتاب محرمانه جیمز، انجیل توماس و کتاب توماس نیز بیابیم.

بسیار احتمال دارد که بعضی از گفتار در متون و اسناد حاضر نیز مربوط به دوران مسیح باشد. این گفتارها شامل سخنان مربوط به ملکوت الهی، ضرب‌المثل‌ها و تمثیل‌ها هستند که در انجیل جدید نیز وجود دارند و از مشخصه‌های تعلیمات مسیح هستند. به طور مثال احتمال زیادی وجود دارد که برخی از تمثیل‌هایی که برای نخستین بار در متون و اسناد نگ حمدی، مشاهده می‌شوند، متعلق به خود مسیح باشند: تمثیل جوانه درخت خرما

(کتاب محرمانه جیمز ۱۲-۱۰:۴)، تمثیل دانه گندم (کتاب محرمانه جیمز ۸:۲)، تمثیل ماهیگیر دانا (انجیل توماس ۸)، تمثیل کوزه آرد (انجیل توماس ۹۵)، تمثیل قاتل (انجیل توماس ۹۶) و حداقل بعضی بخش‌های تمثیل درخت مو و علف هرز (کتاب توماس ۶-۸:۲). و گفتارهای دیگر مسیح که در متون "نگ حمدی" حفظ شده است. نسخ قدیمی گفتاری هستند که در انجیل جدید وجود دارد. برای مثال، تمثیل بذرافشان که در انجیل توماس (گفتار ۹) آمده، دارای جزئیاتی است که این جزئیات در انجیل عهد جدید دیده نمی‌شود. بذرافشان مشت پُری دانه برگرفت، اما تفاسیر تمثیلی که مورد استفاده کلیسا است و در هر یک از نسخ عهد جدید یافت می‌شود، در انجیل توماس حذف شده است. بنابر این ما باید از خداوند به خاطر کشف انجیل توماس ممنون باشیم که نسخه قدیمی‌تری از تمثیل بذرافشان را به ما ارائه داده است.

چهارمین و آخرین متنی که در این کتاب ترجمه شده است کتاب محرمانه یوحنا است که آن نیز شامل روشنگری‌ها و سخنرانی‌های عیسی مسیح در قالب گفتگویی میان شاگرد و استاد است. محتوای این متن اساساً با سه متن دیگر متفاوت است. با این حال، در کتاب محرمانه یوحنا مطالب مختصری را می‌توان به زمان مسیح نسبت داد. این متن بیانی اسطوره‌ای از خلقت، نزول، و رهایی و رستگاری جهان و مردم جهان است. این متن در شکل کنونی به

نظر می‌رسد که از یک متن قدیمی یهودی گرفته شده و به صورت روایتی مسیحی درآمده است که با شرح و تفسیر آفرینش و استفاده از سایر بخش‌های تورات به شیوه‌ای بدیع و گاهی تکان‌دهنده، مسئله شر را مورد توجه قرار می‌دهد و بر نیکویی و رحمت خدا تأکید می‌کند و از آن جانبداری می‌نماید. و همچنین از طریق بیان داستانی پیچیده و افسانه‌ای در مورد خدایی که تجلی می‌یابد، خلق می‌کند، نزول می‌کند و سرانجام نجات می‌یابد، تضاد میان آن یکتای متعالی و جهان فانی پوچ و بی‌مقدار را توصیف و آشکار می‌سازد. همانگونه که طرح کلی داستان نشان می‌دهد، برداشت‌هایی از کتاب آفرینش، با ایده‌هایی فلسفی و اسطوره‌ای از یونان باستان، درهم آمیخته و از تلفیق آنان داستان زیبا و پرمعنایی به وجود آمده است. طریق دیگر برخورد با این داستان این است که آن را به عنوان اثری درباره سیر تکامل روح یا ذهن، مورد مطالعه قرار دهیم. روح همه از طریق یک اندیشه، یک اندیشه نخستین، خود را گسترش می‌دهد تا به اشراق و تکامل روحی نایل گردد. متأسفانه، فقدان دانش (سوفیا)^(۱) موجب نوعی بی‌خردی و فراموشی می‌گردد. از این رو بازگرداندن خرد به منظور برخورداری از ذهنی سرشار و کامل، تنها می‌تواند از طریق اندیشه ثانوی الهی میسر گردد. بدین طریق خداوند و همچنین تمام

کسانی که در نور و روح او سهیم هستند، در حالی که می‌توانند نجات بخشدند، نجات نیز می‌یابند.



هدف اصلی‌ام از ترجمه این کتاب از قبطی (یا مصری قدیم) آن است که ترجمه واضح و روشنی ارائه دهم که درک آن برای همگان آسان باشد و در عین حال کوشیده‌ام ضمن حفظ مفهوم اصلی متن، در هر جا که امکانش باشد از عبارات و اصطلاحاتی که به جنسیت خاصی اشاره نمی‌کند استفاده کنم. بدین ترتیب من از عبارت «فرزند انسان»^(۱) به جای عبارت متداول و آشنای «پسر خدا» و از کلمه «فرزند» یا «فرزندان» به جای پسر و پسران و یا از «انسان» به جای «انسان خداگونه» استفاده نموده‌ام. مگر این که در متن مصری اشاره به شخص مذکر بخصوصی شده باشد و کلمه «خود» را نیز به جای خودِ مذکر^(۲) به کار برده‌ام. برای مثال: کسی که خود را بشناسد را به جای کسی که خود (مذکر) را بشناسد به کار برده‌ام و کلمات «پدر» و «مادر» نیز به دلیل این که استفاده از آن در میان شخصیت‌های الهی (مانند تثلیث پدر-مادر، فرزند) متداول است، تغییر نیافته است. از آنجایی که در زبان قبطی (مصری قدیم) جنس خنثی وجود ندارد اغلب از ضمیر مذکر برای اشاره به آنچه که خنثی و یا

نامشخص است استفاده می‌شود. همچنین در مواردی که مرجع ضمیر دارای عنوان و یا صفتی مردانه برای شخصیتی زنانه باشد، از ضمیر مذکر استفاده می‌شود. بنابراین درک دقیق چند عبارت در بخش‌هایی از متون قبطی مشکل است.

(برای مثال مراجعه شود به کتاب جان ۸:۱۳ و توضیح مربوط به آن)
این ترجمه مانند هر ترجمه دیگری نوعی تفسیر است. ترجمه‌ای که من ارائه داده‌ام نیز براساس پژوهش تفسیری بسیاری از همکارانم است که در اینجا از ایشان قدردانی می‌کنم.

ماروین میر